

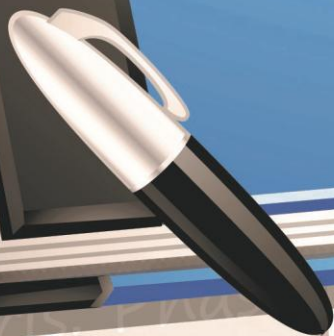
madsage
IRan Education
Research
NETwork
(IRERNET)

شبکه آموزشی - پژوهشی مادیج
با هدف بهبود پیشرفت علمی
و دسترسی راحت به اطلاعات
برای جامعه بزرگ علمی ایران
ایجاد شده است

مادیج

شبکه آموزشی - پژوهشی ایران

madsg.com
مادیج



porta. Lorem ipsum
dolor mauris e
goma. Lorem ipsum.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

موضوع:

جزوه تفسیر موضوعی قرآن

استاد مربوطه:

جناب آقای موسوی قدمگاهی

درس:

تفسیر موضوعی قرآن کریم

سال تحصیلی:

بهار ۱۳۹۱

با تشکر از دانشجوی عزیزم که این جزوه را تایپ نموده است . برای سلامتی و موفقیت این عزیز یک صلوات بفرستید.

بخش اول : مباحث مقدماتی

فصل اول : انس با قرآن

پیامبر رحمت(ص) همچون پدری مهربان و طبیبی دردآشنا ، ما را به قرآن فرا می‌خواند و تمسک به این نسخه شفابخش را رمز رهیدن از فتنه‌ها معرفی می‌کند :

ای مردم ! ... هنگامی که فتنه‌ها چون شب تار شما را فرا گرفت ، به قرآن رو آورید که قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته است و گزارش دهنده‌ای است که گزارشش تصدیق شده است و هرکس قرآن را پیشوای خود قرار دهد ، به بهشتش راهنمایی کند و کسی که آن را پشت سر قرار دهد ، به دوزخش کشاند . قرآن هدایتگری است که به بهترین راه‌ها هدایت می‌کند و کتابی است که در آن جزئیات [شریعت] ، بیان [حقایق] و تحصیل [حق] قرار دارد . قرآن جدا کننده [حق و باطل] است که در آن بیهوده‌ای راه ندارد . قرآن ظاهری دارد و باطنی [که] ظاهرش حکم است و باطنش علم و دانش ؛ ظاهرش زیباست و باطنش ژرف . قرآن ستارگانی دارد و ستارگان آن هم ستارگانی ؛ شگفتی‌هایش به شماره نیاید و عجایبش کهنه نشود . چراغ‌های هدایت در قرآن است و نشانه‌های حکمت ...

مراتب انس با قرآن

۱- گوش فرادادن و نظر کردن به آیات قرآن

و چون قرآن خوانده شود ، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید ، امید که بر شما رحمت آید . امام صادق(ع) می‌فرماید : «هرکس به حرفی از قرآن گوش فرا دهد ، [بدون آنکه آن را قرائت کند] ، ثوابی برایش نوشته می‌شود و گناهی از او پاک می‌گردد و درجه‌ای بالا می‌رود.»

از سوی دیگر ، نظر کردن به آیات قرآن نیز خود نوعی انس و ارتباط با قرآن به شمار می‌آید . امام صادق(ع) می‌فرماید : «...أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ : نگاه کردن در قرآن عبادت است.»

۲- تلاوت قرآن

هر چه از قرآن میسر می شود بخوانید .

امام علی(ع) می فرماید : «کسی که با تلاوت قرآن انس گیرد ، جدایی دوستان او را به وحشت نمی اندازد.»

پسامبر اسلام(ص) - به نقل از حضرت رضاع(ع) - می فرماید :

برای خانه های تان نصیبی از قرآن قرار دهید ؛ زیرا هرگاه در خانه ای قرآن تلاوت شود ، امور آن خانه بر اهلس آسان می شود ؛ خیرش افزایش می یابد و ساکنان آن در برکت و رفاه قرار می گیرند ، و هرگاه در خانه ای قرآن تلاوت نشود ، تنگدستی بر اهلس چیره می شود ؛ خیرش کاهش می یابد و ساکنان آن در فقر و کمبود قرار می گیرند .

۳- درک معانی و مفاهیم قرآن

آنان که قادر نیستند صرفاً با تلاوت آیات معانی قرآن را نیز دریابند ، با ترجمه آیات با مفاهیم اولیه مورد نظر قرآن آشنا شوند .

به هر روی ، تلاش برای درک معانی و مفاهیم آیات ، گام بزرگی برای رسیدن به شناخت جامع تر و ژرف تر قرآن به شمار می رود . برخی صحابه که قرآن را از محضر پیامبر(ص) می آموختند ، چنین گزارش کرده اند که آنان ده آیه را از آن حضرت فرا می گرفتند ، امام پیش از پرداختن به ده آیه دیگر می کوشیدند تا آنچه از علم و عمل در آن آیات بود ، بیاموزند .

۴- تفسیر قرآن

تفسیر را از آن جهت ارجمندترین علوم دین شمرده اند که از یک سو فرد را به صورت مستقیم با کلام خداوند مرتبط می کند و از دیگر سو ذهن و زندگی انسان را رنگی دیگر می بخشد .

۵ - تدبر در قرآن

امام علی(ع) ژرف اندیشی در قرآن را بهار دل ها دانسته است : «قرآن را بیاموزید که آن زیباترین سخن است و در آن ژرف بیندیشید که بهار دل هاست .»

امام علی(ع) می فرماید : «آگاه باشید که قرائت قرآن هنگامی که در آن تدبر نباشد ، هیچ خیری ندارد.»

فصل دوم : شناخت قرآن

درآمد

اهمیت شناخت قرآن برای هر مسلمان از آن روست که منبع اساسی دین و ایمان و اندیشه و آنچه به زندگی معنا می‌بخشد ، قرآن است .

بنابراین قرآن اساس اندیشه دینی ، جهان‌بینی حق و شریعت اسلامی است و شناخت آن نیز نقطه آغاز هرگونه شناخت و تلاش فکری ، و الهام‌بخش عمل و سلوک معنوی برای مسلمانان است .

اقسام شناخت قرآن

۱- شناخت سندی :

قرآن از این نوع شناخت بی‌نیاز است ؛ چنانچه هیچگاه در انتساب سوره ، آیه و یا بخشی از آن به آورنده‌اش ، یعنی پیامبر اسلام (ص) تردید و تشکیکی رخ نداده است . در واقع مسائلی از این دست که فلان سوره مشکوک است ، فلان آیه در فلان نسخه هست و در فلان نسخه نیست و ... در مورد قرآن اساساً مطرح نیست . از این رو ، هیچکس نمی‌تواند ادعا کند و یا احتمال دهد که نسخه‌ی دیگری از قرن هست که با قرآن موجود تفاوت کلی یا جزئی دارد .

دلایل بی‌نیازی قرآن از شناخت سندی

- ۱- پیامبران وحی را به طرق گوناگون از جمله «علم حضوری» دریافت می‌کنند . ماهیت این علم چنین است که در آن دریافت کننده (عالم) ، نسبت به آنچه دریافت کرده (معلوم) ، کوچکترین تردیدی روا نمی‌دارد .
- ۲- نزول قرآن به نزول سایر کتب آسمانی تفاوت بزرگی داشت و آن اینکه قرآن به تدریج در طول بیست و سه سال نازل گردید ؛ در حالیکه کتب آسمانی دیگر به یکباره نازل شده‌اند . نزول یکباره ممکن است این مشکل را ایجاد کند که نسخه اصلی پس از مدتی با سایر نسخه‌ها مشتبه گردد ، اما در نزول تدریجی اینگونه نیست .
- ۳- یکی از اقدامات اساسی پیامبر اسلام (ص) برای ضبط و نگهداری آیات این بود که از همان آغاز نزول وحی جمعی از نویسندگان مورد اعتماد خود را برای نگارش صحیح قرآن برگزید .

۴- جنبه‌ی ادبی و هنری قرآن - که از آن به فصاحت و بلاغت تعبیر می‌شود - و ساختار آهنگین آیات که نوازشگر روح است ، چنان بر دل و جان مسلمانان تاثیر می‌نهد که با همه‌ی توجه و توان به فراگیری و حفظ و ضبط قرآن همت می‌گماشتند .

۵ - جامعه آن روز مسلمانان به لحاظ فرهنگی و سطح سواد ، جامعه‌ای بسیط و بدوی بود . در چنین جامعه‌ای غیر از قرآن کتاب دیگری یافت نمی‌شد تا مسلمانان ، هم در حفظ این و هم در ضبط آن ناگزیر باشند .

۲- شناخت تحلیلی

در باب شناخت تحلیلی قرآن باید دانست که قرآن مجموعاً مشتمل بر چه مسائلی است و از سویی آن مسائل چگونه و با چه سبکی عرضه شده است ؟

۳- شناخت ریشه‌ای

در این مرحله ، پژوهشگر همواره می‌کوشد تا روشن نماید آیا مطالب ، محتوا و اندیشه‌های مطرح شده در کتاب از اندیشه پدیدآورنده‌اش تراوش یافته ، یا آنکه برآمده از اندیشه‌ی دیگران است ؟ شناخت ریشه‌ای قرآن اگر به درستی صورت پذیرد ، پژوهشگر منصف و بی‌طرف را به «اصالت الهی» قرآن رهنمون می‌سازد . اصالت الهی به این معناست که قرآن به همه معارف و ساختار بدیعی ، از افقی بالاتر از ذهن و اندیشه پیامبر(ص) بوده است . در حقیقت «اصالت الهی» ، یعنی معجزه بودن قرآن و این نتیجه‌ای است که از شناخت ریشه‌ای قرآن به دست می‌آید .

فرض‌های بنیادین در شناخت قرآن

۱- وحیانی بودن الفاظ قرآن

ابتدا باید بدین پرسش پاسخ داد که آیا خداوند «الفاظ قرآن» را نیز همانند محتوای آن بر پیامبر (ص) وحی کرده ، یا آنکه آنچه به پیامبر رسیده ، تنها محتوای قرآن است و الفاظ و ساختار ترکیبی آن توسط خود پیامبر و یا فرشته وحی بر آن محتوا پوشانده شده است ؟

دلایل بسیاری می‌تواند بر الهی بودن الفاظ و ساختار ظاهری متن قرآن اقامه نمود که در اینجا تنها به پنج دلیل، آن هم به اختصار اشاره می‌کنیم:

۱- قرآن آشکارا خود را سخن خدا معرفی نموده است.

۲- بخش بزرگی از اعجاز قرآن به ساختار ظاهری متن، سبک بدیع و اسلوب منحصر به فرد آن باز می‌گردد. پیام آیات «تحدی» - که همگان را به آوردن مثل قرآن فرا می‌خوانند - از زاویه ساختار ظاهری متن این است که اگر در الهی بودن الفاظ و قالب‌های مشتمل بر معارف بلند قرآن تردید دارید، برای اثبات مدعای خود الفاظ و جمله‌هایی مشابه این الفاظ و عبارات بیاورید.

۳- آیات بسیاری از قرآن به روشنی بر وحیانی بودن الفاظ و ساختار متن عربی قرآن دلالت دارند.

بخشی از این آیات بدین قرارند:

ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، باشد که بیندیشید و همانا که آن در کتاب اصلی (لوح محفوظ) به نزد ما سخت والا و پر حکمت است.

ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیندیشید.

این آیات، ساختار لفظی و عربی قرآن را به صراحت به خداوند نسبت داده‌اند. آیات دیگری نیز آشکارا بر عدم دخالت پیامبر در ساختار ظاهری قرآن و تبعیت محض او از وحی الهی دلالت دارند. حال دو نمونه از این دسته آیات:

آنانکه به دیدار ما امید ندارند می‌گویند: «قرآن دیگری جز این بیاور، یا آن را عوض کن.» بگو: «مرا نرسد که

آن را از پیش خود عوض کنم. جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم.»

و از هر هوس سخن نمی‌گویند این سخن به جز وحیی که وحی می‌شود نیست.

۴- معارف و محتوای قرآن از چنان عظمت و ژرفایی برخوردار است که احاطه کامل بر همه آنها و قراردادنشان

در قالب الفاظ و عباراتی که آن معارف را برتابند، فراتر از توان و قدرت انسان است.

۲- ابدیت و تغییر

حوزه‌های مباحث قرآن - اسرار ماندگار قرآن در بستر زمان

۱- ژرفای نامحدود قرآن

در جایی امام باقر(ع) بطون قرآن را رمز ابدیت قرآن شمرده ، قرآن را خورشید و ماه تشبیه می کند :
(هیچ آیه‌ای از قرآن نمی‌باشد ، مگر آنکه ظاهر و باطنی دارد.) امام(ع) در پاسخ فرمودند : ظاهر قرآن همان نزول آن ، و باطن قرآن تأویل آن است ؛ برخی از قرآن تحقق یافته و برخی هنوز تحقق نیافته است ؛ قرآن همانند خورشید و ماه همواره در حال جریان و پرتوافشانی است .

نمونه‌هایی از ژرفای قرآن

نمونه اول : خداوند بزرگ در نهی از پرستش بت‌ها می‌فرماید :
و خدا را بپرستید ، و چیزی را با او شریک مگردانید .
ای فرزندان آدم ، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید .
در تحلیلی دیگر در می‌یابیم که در اطاعت انسان ، میان خود و غیر تفاوتی نیست و همانگونه که از غیر نباید اطاعت کرد ، از خواسته‌های نفس نیز نباید پیروی نمود :
پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده .
با تحلیل دقیق‌تری آشکار می‌شود که توجه به غیر خدا و غفلت از خالق هستی ، به کلی ممنوع است ؛ زیرا توجه به غیر خدا ، استقلال دادن به او و خضوع در برابر اوست که این خود نوعی پرستش است .
خداوند می‌فرماید :

و در حقیقت ، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم ... آنها همان غافل ماندگانند .

۲- پیوند قرآن و عترت

به منظور تبیین و تفسیر صحیح قرآن ، نخستین و اصلی‌ترین سازوکار ، «پیوند جاودانه و ناگسستنی قرآن و عترت» است .

ابن حجر هیتمی - از عالمان برجسته‌ی اهل سنت - درباره این حدیث می‌گوید :

برای حدیث مذکور طرق بسیاری است [و] بیست و چند نفر از صحابه آن را روایت کرده‌اند : برخی از آنان این حدیث را در سفر حجه‌الوداع و در روز عرفه از وی شنیده و نقل کرده‌اند . گروهی دیگر آن را در ماجرای بزرگ و فراموش نشدنی غدیرخم از پیامبر شنیده‌اند و بالاخره گروهی دیگر گفته‌اند که پیامبر(ص) پس از بازگشت از طائف ، خطبه‌ای ایراد کرد و در آن ، حدیث ثقلین را بیان فرمود .

فلسفه پیوند قرآن و عترت

اساساً در نگاه قرآن کریم یکی از مسئولیت‌های اصلی همه پیامبران تبیین و تفسیر وحی بوده است ؛ چنانکه در آیه‌ای می‌خوانیم :

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم ، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند .

در اندیشه بنیادین شیعه ، این ضرورت حیاتی در «پیوند همیشگی و ناگسستنی قرآن با عترت» تحقق عینی یافته و خطوط کلی آن نیز در آیاتی که به تشریح اصل امامت پرداخته‌اند و همچنین در سخنان گرانبهای پیامبر(ص) ترسیم شده است .

ثمرات پیوند قرآن و عترت

- ۱- تبیین و تفسیر صحیح آیات قرآن متناسب با نیازها و مسائل جدید مسلمانان و جامعه اسلامی ؛
 - ۲- آموزش شیوه‌ی صحیح برای دستیابی ضابطه‌مند به مفاهیم وحی در غیاب عترت ؛
 - ۳- رهبری سیاسی جامعه اسلامی که خود دو ره‌آورد ارزشمند را به دنبال دارد ؛
- یک . رهبری سیاسی اهل بیت ، به تبیین دقیق و کاربردی بخش بزرگی از آیات قرآن می‌انجامد ؛ آن هم آیاتی که ناظر به شئون مختلف جامعه دینی است .
- دو . با رهبری سیاسی اهل بیت رهنمودهای قرآنی برای ساختن جامعه الهی و ارزش محور .
 - ۴- تأمین حضور همیشگی «انسان کامل» - به عنوان اسوه‌ی نیکو و جلوه‌ی جمال حضرت حق - در میان آدمیان .

۳- اجتهاد روشمند در قرآن

«تفقه» به این معناست که کسی در طلب چیزی باشد، به گونه‌ای که در آن تمحض و تخصص یابد. از این رو، «تفقه در دین» به معنای فرا گرفتن دین به صورت تخصصی است.

شایان ذکر است که اجتهاد در قرآن تنها در صورتی مشروع و روشمند است که از ضوابط و شرایط لازم برخوردار باشد. گام نهادن در عرصه‌ی خطیر اجتهاد بدون برخورداری از شرایط لازم، خود نوعی «تفسیر به رأی» شمرده می‌شود که پیامبر گرامی(ص) و اهل بیت نیز به شدت آن را نکوهیده‌اند.

با عنایت به مباحث گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که قرآن کریم با وجود «ثبات» و «محدودیت» ظاهری، از ژرفای نامحدود، پویایی و تحرک درونی ویژه و اعجاز‌آمیزی برخوردار است. این ویژگی ذاتی توأم با دو اصل بنیادین امامت و اجتهاد، سبب شده است قرآن همواره در بستر متحول زمان زنده بماند و بر نیازهای معرفتی و معیشتی آدمیان در اعصار گوناگون پرتو بیفکند.

فصل سوم : تفسیر قرآن

دانش تفسیر

واژه «تفسیر» به لحاظ لغت‌شناسی ، مصدر باب تفعیل از ماده «ف - س - ر» است . دو واژه «تفسیر» (ثلاثی مزید) و «فَسَّرُ» (ثلاثی مجرد) به معنای روشن نمودن ، پرده برداشتن و بیان کردن آمده است . واژه «تفسیر» در قرآن کریم تنها یک بار ، آن هم در همین معنای واژگانی‌اش بکار رفته است : «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا» : و برای تو مثل نیاوردند ، مگر آنکه [ما] حق را به نیکوترین بیان برای تو آوردیم .»

دانش تفسیر در اصطلاح اندیشمندان دینی به دانشی گفته می‌شود که به کمک آن ، مفاهیم و معارف قرآن آشکار و دستورها ، پندها و حکت‌های آن استخراج می‌گردد .
دانش تفسیر با نزول نخستین آیات قرآن بر پیامبر اسلام(ص) آغاز گردید .

شیوه‌های نگارش تفسیر قرآن

۱- تفسیر تربیتی

در این شیوه ، مفسر مجموعه‌ی آیات قرآن را با ترتیب آیه به آیه مورد شرح و تبیین قرار می‌دهد .

۲- تفسیر موضوعی

در این شیوه ، مفسر ابتدا به جمع‌آوری آیات مربوط به یک موضوع معین - از مجموع آیات قرآن - پرداخته ، پس از دسته‌بندی روشمند آنها به شرح ، استخراج و جمع‌بندی معارف و مقاصد هر یک می‌پردازد .

اصلی‌ترین روش‌های تفسیری

۱- روش تفسیر نقلی

در این روش ، مفسر در تفسیر هر آیه فقط به نقل آیات دیگر ، روایات ، اقوال و آرای صحابه پیامبر و تابعین می‌پردازد .

۲- روش تفسیر اجتهادی

در این روش مفسر در تفسیر آیات ، بر پایه‌ی اندیشه‌ورزی و استدلال روشمند به کار خود می‌پردازد .

دلایل نیازمندی قرآن به تفسیر

۱- بیان اصول و کلیات

یکی از ویژگی‌های بیانی قرآن کریم این است که بسیاری از معارف هدایت‌بخش خود را در قالب اصول و قواعد کلی عرضه نموده و بدینوسیله محورهای بنیادین و راه رسیدن به کمال را در اختیار آدمیان نهاده است .

۲- به کارگیری سبک خاص در بیان مطالب

قرآن در بیان مطالب و ابلاغ پیام‌های خود سبک ویژه‌ای را برگزیده است ؛ بدین بیان که مجموعه مطالب و پیام‌های مربوط به یک موضوع را در یک آیه یا سوره و یا در جزء معینی از قرآن به گونه‌ای متمرکز نیاورده است .

۳- معرفی جهان‌های فراطبیعی

ویژگی دیگر قرآن این است که ذهن و ضمیر کنجکاو بشر را به جهان‌ها و موجودات فراطبیعی و ارتباط و تاثیر میان آنها و جهان مادی معطوف نموده است .

۴- ژرفای نامحدود

ویژگی دیگری که قرآن را از متون دیگر ممتاز می‌سازد ، ژرفای پایان‌ناپذیر آیات آن است .

۵ - جهان شمولی و ابدیت

و این کتاب الهی جز ذکر برای جهانیان چیز دیگری نیست .

۶- فصاحت و بلاغت بی نظیر

قرآن گرچه پیام‌ها و معارف خود را در ساختار زبان و واژگان عربی عرضه داشته ، در انتخاب ، ترکیب ، چینش و پردازش کلمات و جملات خود چنان ظرافت‌هایی را مورد توجه قرار داده که باعث شده متن قرآن در بالاترین سطح فصاحت و بلاغت قرار گیرد .

۷- اشاره‌ها و نشانه‌ها

با آنکه قرآن پیام‌های هدایت‌بخش خود را آشکارا و به صراحت اعلام داشته ، در عین حال معارف و مفاهیم بلندی را نیز در قالب اشاره‌هایی ظریف بیان کرده است .

تفسیر روشمند

الف) شرایط مفسر

۱- آشنایی با زبان و ادبیات عرب

۲- شناخت اسباب نزول : مراد از اسباب نزول ، حوادث ، وقایع و پرسش‌هایی است که در عصر نزول وحی رخ داده و به تناسب آنها آیاتی نیز بر پیامبر گرامی(ص) نازل شده است .

۳- آگاهی از روایات ، سنت و سیره‌ی پیامبر(ص) و اهل بیت : سنت ، مرجع شناخت و آگاهی از جزئیات و احکام تفصیلی از فرایض است که اصول آنها در آیاتی از قرآن تشریح گردیده و جزئیات آنها نیز در روایات آمده است .

۴- شناخت علوم قرآن : آگاهی از علوم قرآن به منزله‌ی ابزاری است که فهم روشمند معارف قرآن را هموار می‌کند .

۵ - پرهیز از پیش‌داوری : راهیابی به مقاصد وحی مستلزم آن است که فضای ذهن مفسر پیش از تحقیق و کاوش همه جانبه در آیات وحی و سایر منابع ، در اشغال آرا و دیدگاه‌های دیگر قرار نگرفته باشد .

۶- جامع‌نگری : دستیابی به مقاصد وحی مستلزم نگرش جامع به آیات قرآن و تحقیق همه جانبه در آنهاست و این بدان سبب است که مجموعه‌ی قرآن ، کلام واحدی است که خالق هستی به منظور هدایت آدمیان به تدریج - با رعایت مصالح امت اسلامی و شرایط حاکم بر فضای نزول - در اختیار آنان نهاده است .

۷- اطلاع و آگاهی از آثار پیشینیان : سخنان صحابه از آن رو که خود شاهد نزول وحی بوده‌اند ، همواره در نگاه اندیشمندان قرآنی از ارزش والایی برخوردار بوده و تابعین (نسل پس از صحابه) نیز از آن جهت که این سخنان را بی‌واسطه از صحابه دریافت داشته و منتقل نموده‌اند ، مورد توجه قرار گرفته‌اند .

۸ - آگاهی از علم منطق

۹- آگاهی از سایر علوم

۱۰- رعایت دوراندیشی و احتیاط معقول

تفسیر به رأی

در چیستی «تفسیر به رأی» گرچه آرای متعددی مطرح گردیده ، آنچه به وضوح از متن روایات بر می آید ، این است که تفسیر ناصواب و مذموم از دیدگاه پیامبر(ص) و اهل بیت تفسیری است که مبنای آن تنها «رأی» و «نظر شخصی» مفسر باشد و در آن هیچ معیار دیگری از قبیل روایات ، شأن نزول ، دیدگاه مفسران پیشین ، قواعد تفسیر و ... لحاظ نگردد .

عمده ترین عوامل تفسیر به رأی عبارت است از :

- ۱- تکیه بر حدس و گمان شخصی در تحلیل معنای آیات ؛
- ۲- گرایش ها و حب و بغض های شخصی ، فرقه ای ، مذهبی و کلامی ؛
- ۳- علم زدگی و تکیه بر فرضیه های علمی بدون توجه به اصول ، شرایط و قواعد تفسیر صحیح قرآن .

بخش دوم : معارفی از قرآن کریم

فصل اول : خدا در قرآن

اسما و صفات خدا در یک نگاه

- ۱- «الله» ؛ ذاتی که جامع همه کمالات است و آن کمالات را به طور مطلق دارد .
- ۲- «واحد» ؛ ذاتی که اجزایی ندارد و شبیه و مانندی برای او نیست .
- ۳- «صمد» ؛ آقا و بزرگی که همگان دست حاجت به سوی او دراز می کنند و او از همه بی نیاز است و از سویی مقصود همگان می باشد .
- ۴- «اول» ؛ کسی که از آغاز بوده ، بی آنکه آغازی داشته باشد (ازلی).
- ۵- «آخر» ؛ کسی که آخر است ، بی آنکه انتهایی داشته باشد (ابدی).
- ۶- «باقی» ؛ کسی که برای او فنا نیست .
- ۷- «ظاهر» ؛ ذات پاک خداوند به واسطه آیات و نشانه هایی که از قدرت و حکمتش مایه گرفته ، کاملاً ظاهر و آشکار است .
- ۸- «باطن» ، کسی که کنه ذاتش از دسترس افکار و اندیشه ها بیرون است .
- ۹- «حی» : کسی که فعال و مدبر است .
- ۱۰- «غنی» ؛ خداوند احتیاجی به غیر ندارد و نیازی به ابزار ، اعضا و جوارح در او نیست .
- ۱۱- «متکبر» ؛ او شایسته بزرگی است و چیزی برتر از او نیست .
- ۱۲- «عدل» ؛ داوری است دادگر و حاکمی است عادل .
- ۱۳- «مَلِک» ؛ مالکت حکومت و حاکم بر جهان هستی است .
- ۱۴- «جبار» ؛ او بر همه چیز تسلط دارد و دست های افکار و اندیشه ها از رسیدن به دامن عظمتش کوتاه است و با اراده نافذش به اصلاح هر امر می پردازد .

- ۱۵- «حق» ؛ او موجودی ثابت ، پایدار ، برقرار و دارای عینیت و واقعیت است .
- ۱۶- «سمیع» ؛ کسی که به همه مسموعات احاطه دارد .
- ۱۷- «بصیر» ؛ کسی که بر همه دیدنی‌ها محیط است .
- ۱۸- «رائی» ؛ بیننده و آگاه .
- ۱۹- «شهید» ؛ او شاهد و حاضر در همه‌جاست .
- ۲۰- «علیم» ؛ کسی که هم از ذات خویش و هم از اسرار درون ما آگاه است و ذره‌ای در آسمان و زمین بر او مخفی نیست .
- ۲۱- «حکیم» ؛ کسی که تمام افعالش صحیح ، استوار و خالی از فساد و خطاست .
- ۲۲- «خبیر» ؛ او عالم و آگاه بوده ، از باطن امور و اسرار درون باخبر است .
- ۲۳- «مبین» ؛ آثار قدرتش در همه جا نمایان ، و حکمتش در عالم تکوین و تشریح ظاهر است .
- ۲۴- «قدوس» ؛ او ظاهر است و پاک از هرگونه آلودگی به نقایص .
- ۲۵- «مجید» ؛ خداوند کریم ، عزیز و صاحب مجد و عظمت است .
- ۲۶- «جلیل» ؛ او بزرگ ، عظیم و صاحب جلال و اکرام است .
- ۲۷- «علی» ؛ کسی که بلندمقام است .
- ۲۸- «اعلی» ؛ کسی که پیروز و غالب و یا برتر از همه چیز است .
- ۲۹- «عظیم» ؛ او آقا و بزرگ و قادر و قاهر است .
- ۳۰- «کبیر» ؛ او بزرگ و آقاست .
- ۳۱- «حمید» ؛ کسی که شایسته هرگونه حمد و ثناست .
- ۳۲- «بدیع» ؛ کسی که اشیای جهان را بدون الگوی قبلی ابداع کرد .
- ۳۳- «ذاری» ؛ او اظهار کننده است . نیز آنجا که آفرینش اشیا سبب ظهور آنها می‌شود ، این واژه به معنای خالق نیز هست .
- ۳۴- «صانع» ؛ او سازنده ، خالق و آفریدگار همه‌ی اشیاست .

- ۳۵- «فالق» ؛ خداوند دانه‌های گیاهان را در دل زمین می‌شکافد و جنین را از شکم مادر بیرون می‌فرستد .
نیز ظلمت شب را نور سپیده صبح شکافته ، پرده عدم را با آفرینش موجودات پاره می‌کند .
- ۳۶- «نور» ؛ او روشنی‌بخش عالم هستی و فرمان دهنده و هدایت کننده آنهاست .
- ۳۷- «اله» ؛ معبود کسی است که شایستگی عبادت دارد و عبادت جز برای او شایسته نیست .
- ۳۸- «حفیظ» ؛ او حافظ و نگهدارنده موجودات است .
- ۳۹- «حسیب» ؛ او کسی است که همه اشیا را برشمرده ، نسبت به همه آگاهی دارد و از سویی به حساب اعمال بندگان نیز رسیدگی می‌کند . این صفت به معنای بی‌نیاز کننده نیز آمده است .
- ۴۰- «رازق» ؛ خداوند همه بندگان را - اعم از خوب و بد - روزی می‌بخشد .
- ۴۱- «قیوم» ؛ او قائم به ذات خویش است و همه موجودات به او قوام دارند .
- ۴۲- «قابض» ؛ او ارواح را از بدن‌ها می‌گیرد و نور آفتاب را به هنگام غروب برمی‌گیرد . نیز برای جمعی روزی را قبض می‌کند و نور وجود را در آنجا که صلاح بداند ، جاری می‌سازد .
- ۴۳- «باسط» ؛ نقطه مقابل «قابض» ، یعنی فیض هستی را گسترش دادن ، نعمت را به ارزانی به بندگان عطا کردن و آنها را مشمول و احسان خویش نمودن .
- ۴۴- «مصور» ؛ او به مخلوقات و از جمله به جنین در شکم مادر شکل بخشیده ، دائماً در حال صورت‌گری طبیعت و پدیده‌هاست .
- ۴۵- «کافی» ؛ او بندگان را کفایت می‌کند و کسانی را که بر او توکل کنند ، از دیگران بی‌نیاز می‌سازد .
- ۴۶- «هادی» ؛ خداوند هدایت کننده بندگان به سوی حق و عدالت و بلکه هدایت کننده همه موجودات در عالم تکوین ، و همه صاحبان عقل در عالم تشریح است .
- ۴۷- «وکیل» ؛ او سرپرست ، حافظ ملجأ و پناه بندگان است .
- ۴۸- «وارث» ؛ همه کسانی که چیزی را در مالکیت خود دارند ، سرانجام می‌میرند و آنچه دارند ، باقی می‌گذارند ، به جز خداوند .
- ۴۹- «باعث» ؛ او کسی است که همه مردگان را در قیامت محشور می‌کند و بعثت انبیا نیز از ناحیه اوست .

- ۵۰- «دیان» ؛ او بندگان را در برابر اعمالشان جزا می‌دهد .
- ۵۱- «مولی» ؛ او یاری دهنده و سرپرست مخلوقات است .
- ۵۲- «مهین» ؛ خداوند گواه ، شاهد و حافظ همه چیز است .
- ۵۳- «محیط» ؛ او به همه اشیا آگاهی و احاطه دارد .
- ۵۴- «قدیر» ؛ کسی که بر همه چیز تواناست .
- ۵۵- «اکرم» ؛ کسی که از همه کریم‌تر و بزرگوارتر است .
- ۵۶- «حلیم» ؛ او کسی است که در برابر گناه گنهکاران بردبار است و در مجازات آنها عجله نمی‌کند .
- ۵۷- «رحمن» ؛ رحمت وی گسترده و شامل همگان است .
- ۵۸- «رحیم» ؛ رحمت ویژه‌اش شامل حال مومنان است .
- ۵۹- «رئوف» ؛ او رحیم و مهربان است .
- ۶۰- «سلام» ؛ او کسی است که سرچشمه سلامت و منبع آن است و هرگونه سلامت را افزایه می‌کند .
- ۶۱- «مومن» ؛ او به وعده‌هایش عمل می‌کند و ایمان به ذاتش را از طریق آیات و نشانه‌ها ، عجایب تدبیر و لطایف تقدیرش در دل‌ها ایجاد کرده ، بندگان را از ظلم و جور در امان می‌دارد و مومنان را نیز از عذاب ایمنی می‌بخشد .
- ۶۲- «صادق» ؛ او در گفته‌هایش راستگو و در وعده‌هایش تخلف‌ناپذیر است .
- ۶۳- «عفو» ؛ پروردگار کسی است که گناهان بندگان را محو می‌کند .
- ۶۴- «غفور» ؛ او کسی است که افزون بر آموزش ، راه بندگان به کمال را هموار می‌کند .
- ۶۵- «فتاح» ؛ حاکم و گشاینده گره مشکلات است .
- ۶۶- «قریب» ؛ او از همه به ما نزدیک‌تر است ، سخنان ما را می‌شنود و دعای ما را مستجاب می‌کند .
- ۶۷- «متان» ؛ او بخشنده انواع نعمت‌هاست .
- ۶۸- «کریم» ؛ او عزیز ، جواد و بخشنده است .
- ۶۹- «کاشفُ الضّر» کسی که گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها و درد و رنج‌ها را برطرف می‌کند .

- ۷۰- «وهاب» ؛ از ماده «هبه» به معنای بخشنده است .
- ۷۱- «ناصر» ؛ او یاور دیگران است .
- ۷۲- «واسع» ؛ او غنی و بی نیاز و از هر مظر گسترده است .
- ۷۳- «ودود» ؛ او دوستدار دیگران و موجودی دوست داشتنی است .
- ۷۴- «وَفِيّ» ؛ کسی که به عهد و پیمانش وفا می کند .
- ۷۵- «برّ» ؛ به معنای راستگو و همچنین نیکوکاری و بخشندگی است .
- ۷۶- «توّاب» ؛ او توبه بندگان را بسیار می پذیرد و الطافی را که از گناهکاران دریغ داشته بود ، بعد از بازگشت و توبه ، به سوی آنان بازمیگرداند .
- ۷۷- «جواد» ؛ او نیکوکار و بسیار بخشنده است .
- ۷۸- «خیراًتأصّرین» ؛ او کسی است که یاری و نصرتش کاملاً گسترده و خالی از هرگونه نقص و عیب است .
- ۷۹- «شکور» ؛ او اعمال نیک بندگان را ارج می نهد و به بهترین گونه پاداش می دهد .
- ۸۰ - «لطیف» ؛ او نسبت به بندگان لطف و محبت دارد و به آنها نیکی می کند . همچنین او خالق اشیای لطیف است و تدبیرش نیز بسیار دقیق می باشد .
- ۸۱ - «شافی» ؛ او شفا دهنده بیماریها ، آلام و دردهاست .
- ۸۲ - «رقیب» ؛ خداوند حافظ و نگهبان است .
- ۸۳ - «حفی» ؛ خداوند کسی است که عالم و آگاه است و یا به دیگران بسیار لطف و نیکی می کند .

خالقیت

مطالعه عالم امکان نشان می دهد که تمام موجودات ، هستی خود را وامدار دیگری هستند که در این باب برهان های اِتی و لَمّی بسیاری اقامه شده است .

نیروی عقل و اندیشه انسان بر این امر اذعان دارد که حقیقت نامحدود ، پایدار ، مطلق و غیرمشروط و بی نیازی که تکیه گاه تمام هستی هاست و در همه ظرفها و زمانها حضور دارد ، موجود است . در واقع باید برای هستی خالق تصور کرد که همه ی صفات والا ویژه ی او باشد ؛ صفاتی چون حی ، قادر ، علیم ، مرید ،

رحیم ، هادی ، حکیم ، غفور و عادل . این خالق پیش از دارا بودن این صفات کمال باید هستی او عاریه‌ای و موقت نباشد ؛ بدین بیان که هستی از ذات او جدا نشود و یا به عبارت بهتر ، خودِ هستی باشد که واقعیتی فناپذیر است و در آن نسبیتهای راه ندارد (نه در گذشته و حال و نه در آینده).

ربوبیت

قرآن کریم خداوند را تنها پروردگار انسان و تمام موجودات عالم می‌داند . واژه «رب» و مشتاقش ۹۸۱ بار در قرآن آمده است . «رب» در لغت به معنای اصلاح شیء و اقدام به تأمین مصالح آن است . بر همین پایه ، مربی نیز اصلاح‌گر شیء است ؛ چه او موجود را در رشد تدریجی‌اش تا رسیدن به مرز نهایی کمال یاری‌گر است . قرآن خداوند را صاحب اختیاری مطلق و اصلاح‌گر کاملی ترسیم می‌کند که نه تنها انسان‌ها ، بلکه تمام موجودات هستی را می‌پروراند .

پروردگار انسان ، همان پروردگار هستی

در آیات متعددی پروردگار انسان‌ها خالق و سپس مدبر و پروردگار هستی دانسته شده .

برهان ابراهیم(ع) علیه نمرود

یکی از مهمترین مناظره‌های پیامبران الهی با پادشاهان و مترفان معاصرشان بحث در صاحب اختیاری و ربوبیت بوده است .

آیا از [حال] آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود [و بدان می‌نازید ، و] با ابراهیم درباره‌ی پروردگارش محاجّه [می] کرد ، خبر نیافتی ؟ آنگاه که ابراهیم گفت : «پروردگار من همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.» گفت : «من [هم] زنده می‌کنم و [هم] می‌میرانم.» ابراهیم گفت : «خدا [ای من] خورشید را از خاور برمی‌آورد ، تو آن را از باختر برآورد.» پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند .

مناظره موسی(ع) با فرعون

فرعون گفت : «و پروردگار جهانیان چیست؟» گفت : «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است ، اگر اهل یقین باشید.» ... [موسی دوباره] گفت : «پروردگار شما و پروردگار پدران شما.» ... [موسی] گفت : پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آن دو است ، اگر تعلقل کنید.»

دانش گسترده

علم خداوند به افراد ، امور و پدیدهها ، از هرکس و هر چیز حتی از خود موجودات به آنها بیشتر است هر چند خداوند برخی از دانشها را به دیگران تعلیم می دهد ، در پاره ای از موارد علم آنها را نزد خود نگاه می دارد ؛ آن سان که حتی عالی ترین موجودات از آن بی اطلاع اند .

عالم ، محضر خدا

مگر ندانسته که خدا می بیند ؟

ابوجهل در آغاز رسالت پیامبر اکرم(ص) نسبت به ایشان برخوردهای تندی داشت . از این رو خداوند برای تسلی دادن به پیامبر اسلام(ص) و تهدید ابوجهل به خاطر آزارهایی که به آن حضرت روا می داشت ، این آیه را نازل فرمود .

حال ممکن است این سؤال پیش آید که چگونه فردی مانند ابوجهل باید بداند که خداوند می بیند ؟ در پاسخ گفته اند این علم لازمه اعتقاد به هستی بخش مطلق است . بت پرستان و مشرکان نیز اعتراف داشتند که جهان هستی بخش می خواهد ؛ یعنی کسی که خود هستی را از جایی دیگر برنگرفته باشد . فردی مانند ابوجهل باید بداند که خداوند می بیند ؟

در پاسخ گفته اند این علم لازمه اعتقاد به هستی بخش مطلق است . بت پرستان و مشرکان نیز اعتراف داشتند که جهان هستی بخش می خواهد ؛ یعنی کسی که خود هستی را از جایی دیگر برنگرفته باشد .

قدرت بی پایان پروردگار

یکی از مهمترین مباحث صفات کمال و جمال خداوند ، مسئله «قدرت» است . آیات بسیاری خداوند را بدین صفت توصیف کرده‌اند . واژه‌هایی چون «قادر ، قوی ، عزیز ، بطش ، قهر و غالب» هر یک به گونه‌ای توانایی بی‌پایان خداوند را باز نموده است .

ملک و پادشاهی نامحدود ، دلیل قدرت خداوند

بزرگوار [و خجسته] است آنکه فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست . همانکه مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید ، و اوست ارجمند آمرزنده .

این دو آیه با بیان مالکیت مطلق خداوند آغاز می‌شود . در حقیقت پادشاهی گسترده و بلامنازع خداوند در برگیرنده‌ی تمام ملک‌هاست . واژه «ید» استعاره از قدرت است و احاطه‌ی خداوند بر ملک را می‌رساند . به دیگر بیان ، «مالکیت هستی همچون موم در دست اوست.» لازمه نامحدود و مطلق بودن اینگونه پادشاهی و صاحب اختیاری ، توانایی نامحدود و نامتناهی خداوند است .

غلبه قدرت الهی

و اوست که بر بندگان خویش چیره است ، و اوست حکیم آگاه .

قهر به معنای غلبه و ذلیل کردن است ، از این رو قاهر یعنی غالب . در برخی از منابع قهر و غلبه را متفاوت دانسته‌اند . از نگاه اینان ، «قهر» نوعی غلبه و پیروزی است ، آن‌سان که طرف مقابل نتواند هیچگونه مقاومتی از خود نشان دهد . اما در «غلبه» این مفهوم وجود ندارد و ممکن است شخص غالب بعد از مقاومت‌هایی ، برطرف مقابل پیروز گردد .

فصل دوم : جهان‌های دیگر

۱- عالم لاهوت

یکی از **عواملی** که به حکم برهان نیز ثابت گردیده ، عالم الهویت است ؛ یعنی ذات واجبالوجود ، مستجمع جمیع صفات کمالی است که در آن مرتبه از وجود آنچه هست ، یک وجود اطلاق می‌شود و بس . ذات پروردگار به تنهایی خود عالمی است و از سویی عظیم‌ترین عوالم نیز هست .

ارزش یقین به عالم لاهوت

یقین گرانبهاترین نعمتی است که خداوند به بندگانش عنایت می‌کند . بسیاری از معارف دینی و غیر آن از این رو که به مرتبه یقین و باور کامل نمی‌رسند ، باعث می‌گردد که انسان به اعمال مغایر با اعتقادات و باورهای خود دست یازد .

امام صادق(ع) در این باب می‌فرماید : «هیچ چیزی گرانبهاتر از یقین نیست.»

از مهمترین آثار یقین به عالم لاهوت ، بزرگ شدن خدا و کوچک شدن دیگران در دل است .

عارفان در پرتو عبادت به یقین می‌رسند . آرامش باطنی آنان و ایستادگی‌شان در برابر ناملازمات روزگار از آن روست که به باطن عبادت راه یافته‌اند .

۲- عالم ملکوت

یکی دیگر از **عوالم هستی** ، ملکوت است . این عالم بالاتر از عالم مُلک و طبیعت و پایین‌تر از عالم فرشتگان و عقول مجرّه محض است . فلاسفه می‌گویند : این عالم از قوه ، حرکت ، زمان و مکان مجرد است ، اما از ابعاد مجرد نیست . بنابراین عالم ملکوت جسمانی است ، اما مادی نیست .

رابطه دیدن ملکوت با پدیده یقین

کلمه «کذلک» به گفتار حضرت ابراهیم با پدرش آزر اشاره دارد که در آن او را به دلیل بت‌پرستی خود و قومش مواخذه می‌کند . «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ اتَّخِذْ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ : و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر خود «آزر» گفت : آیا بتان را خدایان [خود] می‌گیری ؟ من همانا تو و

قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم.»

خداوند از طریق نشان دادن اشیا و از جهت استناد آنها به وی ، خود را به ابراهیم نشان داد ؛ زیرا بر پایه‌ی برهان خالقیت ، تنها کسی که آن سوی استناد اشیا قرار می‌گیرد ، خداوند است .

نظر به ملکوت و بازگشت از تکذیب و تمرد

۳- عالم برزخ

برزخ ، مرگ تا بعثت

تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد ، می‌گوید : پروردگارا ، مرا بازگردانید ، شاید من در آنچه وانهادهم کار نیکی انجام دهم . نه چنین است ، این سخنی است که او گوینده‌ی آن است و پیشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد .

عمر بن یزید می‌گوید : خدمت امام صادق(ع) عرض کردم : شنیدم که فرمودی «تمام شیعیان ما با وجود ضعف‌هایی که دارند ، در بهشت‌اند» امام فرمود : راست گفتمی ؛ همه آنها به خدا قسم در بهشت‌اند . گفتم : فدایت شوم ! برخی از گناهان بزرگ و زیادند . امام فرمود : اما در قیامت همه شما به شفاعت پیامبر یا وصی او در بهشت هستید ، ولی به خدا قسم ! از شما در مورد برزخ می‌ترسم . عرض کردم : برزخ چیست ؟ فرمود : قبر ، از هنگام مرگ شیعه تا روز قیامت .

امام سجاد (ع) فرمود : قبر یا باغی از بهشت و یا کوره‌ای از کوره‌های آتش جهنم است .

۴- عالم قیامت

آثار زیانبار انکار جهان آخرت

یک. زینت اعمال و کوری باطن

کسانی که به آخرت ایمان ندارند ، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا همچنان] سرگشته بمانند .

دو. عدم فهم عمیق و بی‌علاقگی به شنیدن معارف قرآن

و چون قرآن بخوانی ، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم . و بر دل‌هایشان پوشش‌ها می‌نهمیم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار می‌دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می‌کنند .

سه. غوطه‌ور شدن در گناهان

آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌خواند ، دیدی ؟ این همان کس است که یتیم را به سختی می‌راند ، و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند .

برخی از تاثیرات یادآوری خانه آخرت

دستیابی به مقام اخلاص

و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده‌ور بودند به یادآور ، ما آنان را با موهبت ویژه‌ای - که یادآوری آن سرای بود - خالص گردانیدیم .

استقامت و انجام عمل صالح

کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند ، گفتند : «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار ، به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است.»

فصل سوم : اهداف آفرینش

الف) اهداف آفرینش جهان

و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم ، این گمان کسانی است که کافر شده او حق پوشی کرده اند .

و [ما] آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریدیم .

بنابراین خداوند جهان را آفریده است تا موجودی شریف و باکرامت همچون انسان در آن پرورش یافته ، راه کمال و سعادت را بیوید و حق را بر باطل پیروز گرداند .

۱- خلقت جهان برای انسان

همان [خدایی] که زمین را برای شما فرس [گسترده] و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد ؛ و از آسمان آبی فرود آورد ؛ و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد ؛ پس برای خدا همتیانی قرار ندهید ، در حالی که خود می‌دانید .

۲- دانش‌افزایی بشر

خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آن هفت زمین آفرید . فرمان [خدا] در میان آنها فرود می‌آید . تا بدانی که خدا بر هر چیزی تواناست و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است . و خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده است ، و تا هرکسی به [موجب] آنچه به دست آورده پاداش یابد ، و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت .

ب) اهداف آفرینش انسان

آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم .

۱- آزمایش

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] اترس و گرسنگی ، و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم .

۲- عبادت

و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند .

از این آیه چند نکته مهم برمی آید :

یک. هدف از آفرینش انسان عبادت است و عبودیت ، اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است .

دو. «عبادت» تنها به نماز و روزه و ... نیست ، بلکه انجام تمام دستورهای الهی است .

سه. در برخی احادیث از امام صادق(ع) و از امام حسین(ع) اینگونه روایت شده :

ای مردم ! خدا مردم را خلق نکرد ، مگر برای اینکه او را بشناسند و هنگامی که او را شناختند ، او را عبادت

کنند و هنگامی که او را عبادت کنند ، با بندگی خدا از بندگی غیر او بی نیاز می شوند .

۳- رحمت

و اگر پروردگار تو می خواست ، قطعاً همه ی مردم را امت واحدی قرار می داد ، در حالی که پیوسته در

اختلافند ، مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده ، و برای همین آنان را آفریده است وعده ی

پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که:] البته جهنم را از جن و انس یکسره پر خواهم کرد .

در این آیات چند نکته حایز اهمیت است :

یک. هدف آفرینش انسان ها «رحمت» و مهر الهی معرفی شده است .

دو. وحدت مظهر رحمت الهی است .

سه. این آیه به یکی از سنت های آفرینش که زیربنای مسائل مربوط به انسان است ، اشاره دارد و آن ، اختلاف

و تفاوت در ساختمان روح ، جسم ، فکر ، ذوق و عشق انسان ها و همچنین آزادی اراده و اختیار است .

چهار. رحمت الهی همان هدایت الهی است که از طریق عقل و راهنمایی پیامبران و کتاب های آسمانی شامل

حال همه مردم شده است .

۴- ملاقات الهی

ما از آن خدا هستیم ، و به سوی او باز می گردیم .

یک. انسان به عنوان موجودی تلاشگر و زحمت کش . تلاش هدفدار و در حال حرکت و سیر است .

دو. هدف سیر و غایت تلاش های انسان ، پروردگار است و انسان در نهایت با او ملاقات می کند .

سه. در ان آیه و ایات دیگر ، از ملاقات الهی یاد شده است .

۱- مقصوده شهود باطنی و لقای شهودی پروردگار است ؛ چنانکه از امام علی(ع) حکایت شده : «من پروردگاری را که نبینم ، نمی پرستم.»

۲- مقصود از ملاقات پروردگار ، حضور در صحنه رستاخیز و ملاقات آن صحنه یا ملاقات ثواب و عذاب الهی در رستاخیز است .

فصل چهارم : قرآن و علم

۱- نیروی جاذبه

خدا [همان] کسی است که که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت .
برخی دانشمندان و مفسران معتقدند که این آیه به نیروی جاذبه و اعجاز علمی قرآن اشاره دارد ؛ زیرا ابوریحان بیرونی (۴۴۰ق) و بعدها به روایت مشهور ، نیوتن در قرن هفدهم میلادی این نیرو را کشف کردند .
از این رو ، اشاره قرآن به ستونهای نامرئی بین کرات آسمانی ، نوعی رازگویی علمی قرآن است .

۲- حرکتهای خورشید

و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه‌ی خود روان است . تقدیر آن عزیز دانا این است .

۳- زوجیت

و از هرگونه میوه‌ای در آن ، جُفت جُفت قرار داد .

۴- لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها توسط بادهای)

و بادهای باردار کننده فرستادیم و از آسمان ، آبی نازل کردیم .

۵ - چینش مراحل آفرینش انسان

و به یقین ، انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم . سپس او را [به صورت] نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم . آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم . پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم ، و آنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم ، بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم ، آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم . آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است .

اشارات علمی شگفت‌آور قرآن

۱- آغاز جهان و چگونگی پیدایش آن

سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد ، و آن بخاری بود .

۲- حرکت زمین

و کوهها را می‌بینی [و] می‌پنداری که آنها بی‌حرکتند و حال آنکه آنها ابرآسا در حرکتند .

۳- پیدایش حیات از آب

و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم .

۴- ممنوعیت شرابخواری و اعلام زیان‌ها

درباره‌ی شراب و قمار ، از تو می‌پرسند ، بگو : «در آن دو ، گناهی بزرگ ، و سودهایی برای مردم است . و

[لی] گناهمان از سوشان بزرگتر است .

شبکه آموزشی - پژوهشی مادیج
با هدف بهبود پیشرفت علمی
و دسترسی راحت به اطلاعات
برای جامعه بزرگ علمی ایران
ایجاد شده است



madsg.com
مادیج

IRan Education & Research NETwork
(IRERNET)

